

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۱

می آئی؟ گفت: از راهی بسیار دور و پنج سال است که راه سپرده‌ام تا به اینجارسیده‌ام! از رنج سفر، پیر و ناتوان شده‌ام، گفتم به خدا سوگند این مشقتی بزرگ و در عین حال اطاعتی نیکو و محبتی صادقانه در پیشگاه حق است.

از شنیدن این سخن شاد شد و لبخندی بر روی من زد و این دو بیت را قرائت کرد:

زر من هویت و ان شطت بک الدار

و حال من دونه حجب و استار!

لا یمنعک بعد من زیارته

ان المحب لمن یهواه زوار!

«آنکس را که دل به او بستیهای زیارت کن، هر چند خانه تو دور افتاده باشد و حجابها و پرده‌ها میان تو و او جدائی بیفکنند.

دوری راه هرگز نباید مانع تو از زیارتش گردد چرا که دوست و عاشق به هر حال باید به زیارت محبوبش رود»! آری جاذبه خانه خدا آنقدر زیاد است که دل‌های سرشار از ایمان را از تمام نقاط دور و نزدیک به سوی خود جلب و جذب می‌کند، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، از هر نژاد و قبیله از راه دور و نزدیک بسبیک‌گویان، عاشقانه به سوی او می‌آیند تا جلوه‌های ذات پاک خدا را در آن سرزمین مقدس باچشم جان تماشا کنند و رحمت بی‌دریغش را در روح خود لمس نمایند.

در آیه بعد در یک عبارت بسیار فشرده و پر معنی به فلسفه‌های مختلف حج پرداخته، می‌فرماید: آنها به این سرزمین مقدس بیایند «تا منافع خویش را باچشم

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۲

خود ببینند» (لششهدوا منافع لهم).

مفسران در تفسیر کلمه منافع در اینجا سخن بسیار گفته‌اند، ولی کاملاً روشن است که هیچگونه محدودیتی در این لفظ نیست تمام منافع و برکات معنوی و نتایج مادی، فوائد فردی و اجتماعی، فلسفه‌های سیاسی و اقتصادی و اخلاقی را همه شامل می‌شود.

آری باید مسلمانان از همه نقاط جهان از میان تمام قشرها به آنجا رو آورند تا شاهد و ناظر این منافع باشند، چه تعبیر زیبایی؟ شاهد و ناظر باشند، و آنچه را باگوش شنیده‌اند با چشم ببینند!

لذا در کتاب کافی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم ربیع بن خثیم از امام، تفسیر این کلمه را خواست، امام در پاسخ فرمود: «(منافع) دنیا و «(منافع) آخرت را هر دو در بر می‌گیرد.

به خواست خدا در نکات آیه از این منافع گوناگون بطور مشروح سخن خواهیم گفت سپس اضافه می‌کند: «و آنها بیایند و قربانی کنند و نام خدا را در ایام معینی بر چهار پایانی که به آنها روزی داده است (به هنگام ذبح ببرند)»

(و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمۃ الانعام).

از آنجا که توجه اصلی در مراسم حج به جنبه‌هایی است که با خدا ارتباط پیدامی‌کند و روح این عبادت بزرگ را منعکس می‌سازد در آیه فوق از مراسم قربانی، تنها مسأله بردن نام خدا را که یکی از شرائط است بیان می‌کند، اشاره به اینکه آنها به هنگام ذبح قربانی تمام توجهشان به خدا و قبول در گاه او است و استفاده از گوشت آن تحت الشعاع آن قرار دارد.

قربانی کردن حیوانات در حقیقت رمزی است برای آمادگی برای قربانی شدن در راه خدا، همانگونه که در سرگذشت ابراهیم (علیه السلام) و اسماعیل (علیه السلام) و قربانی

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۳

او آمده است، آنها با این عمل اعلام می‌کنند که در راه او آماده هر گونه ایثارند حتی بذل جان.

به هر حال قرآن با این گفتار برنامه شرک‌آلود بت پرستان را نفی می‌کند که به هنگام قربانی نام بتها را می‌بردند، و این مراسم توحیدی را به شرک آلوده می‌ساختند.

و در پایان آیه می‌فرماید: «از گوشت حیوانات قربانی، هم خودتان بخورید و هم بینوایان فقیر را اطعام نمائید» (فکلوا منها و اطعموا البائس الفقیر). این احتمال در تفسیر آیه نیز وجود دارد که منظور از بردن نام خدا در «ایام معلومات» تکبیر و حمد و ثنای الهی در این ایام است به خاطر نعمتهای بی‌پایانش، مخصوصا به خاطر چهار پایانی که روزی انسانها کرده که از تمام اجزای بدن آنها در زندگی خود بهره می‌گیرند.

نکته‌ها:

۱ - ایام معلومات چیست؟

در آیات فوق خداوند دستور می‌دهد در «ایام معلومات» یاد او کنید، و در آیه ۲۰۳ سوره بقره همین امر به صورت دیگری آمده است: و اذكروا الله فی ایام معدودات: «خدا را در ایام معدودی یاد کنید». در اینکه «ایام معلومات» چیست؟ و آیا با «ایام معدودات» که در سوره بقره آمده یکی است یا متفاوت می‌باشد؟ میان مفسران گفتگو است و روایات نیز در این زمینه متفاوت است:

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۴

گروهی از مفسران، طبق بعضی از روایات اسلامی، معتقدند که منظور از ایام معلومات ده روز آغاز ذیحجه است، و ایام معدودات، «ایام التشریق» یعنی روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه می‌باشد، روزهایی که نورانی و روشنی بخش همه دلها است.

در حالی که گروهی دیگر، طبق بعضی دیگر از روایات، گفته‌اند: هر دو اشاره به ایام التشریق است، و ایام تشریق را گاهی همان سه روز گرفته‌اند و گاهی روزدهم یعنی عید قربان را نیز بر آن افزوده‌اند.

جمله «فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه» (کسی که در دو روز مراسم ذکر خدا را بجا آورد گناهی بر او نیست) که در سوره بقره آمده نشان می‌دهد که ایام تشریق بیش از سه روز نیست، زیرا تعجیل در آن، سبب می‌شود که یک روز از آن کاسته و تبدیل به دو روز گردد.

ولی با توجه به اینکه در آیات مورد بحث، بعد از ذکر ایام معلومات مساءله قربانی آمده و می‌دانیم قربانی معمولا در روز دهم انجام می‌گیرد این موضوع تاءیید می‌شود که ایام معلومات ده روز آغاز ذی الحجه است که به روز

دهم، روز قربانی ختم می‌گردد، و به این ترتیب تفسیر اول که دوگانگی مفهوم ایام معلومات با ایام معدودات باشد تقویت می‌گردد. اما با توجه به وحدت تعبیرهایی که در دو آیه وارد شده بیشتر این مسأله به ذهن می‌رسد که هر دو اشاره به یک مطلب است، هدف در هر دو توجه به یاد خدا و نام خدا در ایام معینی است که از دهم ذی الحجه شروع می‌شود و به سیزدهم پایان می‌یابد. البته یکی از موارد ذکر نام خدا، ذکر نام او به هنگام قربانی است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۵

۲- ذکر خدا در سرزمین منی

در روایات متعددی می‌خوانیم که منظور از ذکر خداوند در این ایام، تکبیر مخصوصی است که بعد از نماز ظهر روز عید قربان گفته می‌شود، و تا پانزده نماز ادامه دارد (یعنی بعد از نماز صبح سیزدهم خاتمه می‌یابد) و آن این ذکر است

الله اکبر الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، و الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام

ضمناً در پاره‌ای از روایات تصریح شده که تکبیر در این پانزده نوبت مخصوص کسانی است که در سرزمین «منی» و ایام حج باشد، اما کسانی که در سایر بلادند این تکبیرات را تنها بعد از ده نماز می‌خوانند (از نماز ظهر روز عید شروع می‌شود و به نماز صبح روز دوازدهم ختم می‌گردد). قابل توجه این‌که روایات تکبیر شاهد دیگری است بر این‌که «ذکر» در آیات فوق، جنبه کلی دارد و مخصوص ذکر خدا به هنگام قربانی کردن نیست هر چند این مفهوم کلی شامل آن مصداق نیز می‌شود (دقت کنید).

۳- فلسفه و اسرار عمیق حج!

مراسم پرشکوه حج - همچون عبادات دیگر - دارای برکات و آثار فراوانی

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۶

در فرد و جامعه اسلامی است که اگر طبق برنامه صحیح انجام پذیرد و از آن بهره‌برداری درستی شود می‌تواند هر سال منشاء تحول تازه‌ای در جوامع اسلامی گردد.

این مناسک بزرگ در حقیقت دارای چهار بعد است که هر یک از دیگری ریشه‌دارتر و پر سودتر است:

۱ - بعد اخلاقی حج - مهمترین فلسفه حج همان دگرگونی اخلاقی است که در انسانها به وجود می‌آورد، مراسم «احرام» انسان را به کلی از تعینات مادی و امتیازات ظاهری و لباسهای رنگارنگ و زر و زیور بیرون می‌برد، و با تحریم لذائذ و پرداختن به خودسازی که از وظائف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و روحانیت و صفا فرو می‌برد، و آنها را که در حال عادی بار سنگین امتیازات موهوم و درجه‌ها و مدالها را بر دوش خود احساس می‌کنند یک مرتبه سبکبار و راحت و آسوده می‌کند.

سپس مراسم دیگر حج یکی پس از دیگری انجام می‌گیرید، مراسمی که علاقه‌های معنوی انسان را لحظه به لحظه با خدایش محکم‌تر و رابطه او را نزدیک‌تر و قوی‌تر می‌سازد، او را از گذشته تاریک و گناه‌آلودش بریده و به آینده‌ای روشن و پر از صفا و نور پیوند می‌دهد.

مخصوصاً توجه به این حقیقت که مراسم حج در هر قدم یاد آور خاطرات ابراهیم‌بتشکن، و اسماعیل ذبیح الله، و مادرش هاجر است، و مجاهدتها و گذشته‌ها و ایثارگری آنها را لحظه به لحظه در برابر چشمان انسان مجسم می‌کند، و نیز توجه به اینکه سرزمین مکه عموماً و مسجدالحرام و خانه کعبه و محل طواف خصوصاً یاد آور خاطرات پیامبر اسلام و پیشوایان بزرگ و مجاهدتهای مسلمانان صدر اول است این انقلاب اخلاقی عمیق‌تر می‌گردد، به گونه‌ای که در هر گوشه‌های از مسجدالحرام و سرزمین مکه انسان، چهره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) و سایر

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۷

پیشوایان بزرگ را می‌بیند، و صدای آوای حماسه‌های آنها را می‌شنود. آری اینها همه دست به دست هم می‌دهند و زمینه یک انقلاب اخلاقی را در دل‌های آماده فراهم می‌سازند، به گونه‌ای توصیف ناشدنی ورق زندگانی انسان را بر می‌گردانند و صفحه نوینی در حیات او آغاز می‌کنند.

بی جهت نیست که در روایات اسلامی می‌خوانیم: «کسی که حج را به طور کامل انجام دهد یخرج من ذنوبه کهیئته یوم ولدته امه!»: از گناهان خود بیرون می‌آید همانند روزی که از مادر متولد شده».

آری حج برای مسلمانان یک تولد ثانوی است، تولدی که آغازگر یک زندگی نوین انسانی می‌باشد.

البته احتیاج به یاد آوری ندارد که این برکات و آثار - و آنچه بعداً به آن اشاره خواهیم کرد - نه برای کسانی است که از حج تنها به پوسته‌ای از آن قناعت کرده، و مغز آن را بدور افکنده‌اند و نه برای آنها که حج را وسیله تفریح و سیر و سیاحت و یا تظاهر و ریا و تهیه وسائل مادی شخصی قرار داده و هرگز به روح آن واقف نشده‌اند سهم آنها همان است که به آن رسیده‌اند!

۲- بعد سیاسی حج :- به گفته یکی از بزرگان فقهای اسلام مراسم حج در عین اینکه خالصترین و عمیقترین عبادات را عرضه می‌کند، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی اسلام است.

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست، توجه به خلق خدا است، این دو در حج آنچنان به هم آمیخته‌اند که تار و پود یکپارچه! حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۸

حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیائی است.

حج وسیله‌ای است برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقانهای نظامهای ظالمانه‌ای که در کشورهای اسلامی حکمفرما می‌شود.

حج وسیله‌ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر، و بالاخره حج، عامل مؤثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمین. و به همین دلیل در آن ایام که حاکمان جبار همچون بنی امیه و بنی عباس بر سرزمینهای مقدس اسلامی حکومت می‌کردند و هر گونه تماس میان قشرهای مسلمان را زیر نظر می‌گرفتند تا هر حرکت آزادیبخش را سرکوب کنند، فرارسیدن موسم حج دریچه‌ای بود به سوی آزادی و تماس قشرهای جامعه بزرگ اسلامی با یکدیگر و طرح مسائل مختلف سیاسی.

روی همین جهت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به هنگامی که فلسفه فرائض و عبادات را می‌شمرد در باره حج می‌گوید: الحج تقویة للدين: «خداوند مراسم حج را برای تقویت آئین اسلام تشریع کرد».

بی جهت نیست که یکی از سیاستمداران معروف بیگانه در گفتار پر معنی خود می‌گوید: «وای به حال مسلمانان! اگر معنی حج را نفهمند، و وای به حال دشمنانشان اگر معنی حج را درک کنند»!.

و حتی در روایات اسلامی، حج به عنوان جهاد افراد ضعیف شمرده شده، جهادی که حتی پیر مردان و پیر زنان ناتوان با حضور در صحنه آن می‌توانند شکوه و عظمت امت اسلامی را منعکس سازند، و با حلقه‌های تو در تو نمازگزاران

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۷۹

گرد خانه خدا و سر دادن آوای وحدت و تکبیر، پشت دشمنان اسلام را بلرزانند.

۳ - بعد فرهنگی: ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج می‌تواند به عنوان مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکرها در آید. مخصوصاً با توجه به این نکته که اجتماع شکوهمند حج، نماینده طبیعی و واقعی همه قشرهای مسلمانان جهان است (چرا که در انتخاب افراد برای رفتن به زیارت خانه خدا هیچ عامل مصنوعی مؤثر نیست و زوار کعبه از میان تمام گروهها، نژادها، زبانهای که مسلمانان به آن تکلم می‌کنند بر خاسته و در آنجا جمع می‌شوند).

لذا در روایات اسلامی می‌خوانیم: یکی از فوائد حج نشر اخبار و آثار رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به تمام جهان اسلامی است.

«هشام بن حکم» که از دوستان دانشمند «امام صادق (علیه السلام)»

است می‌گوید: از آنحضرت در باره فلسفه حج و طواف کعبه سؤال کردم، فرمود: ان الله خلق الخلق... و امرهم بما یکون من امر الطاعة فی الدین و مصلحتهم من امر دنیاهم فجعل فیہ الاجتماع من الشرق و الغرب و لیتعارفوا و لینزع کل قوم من التجارات من بلد الی بلد...، و لتعرف آثار رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و تعرف اخباره و یذکر و لا ینسی:

«خداوند این بندگان را آفرید... و فرمانهایی در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد، از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را (در آئین حج) مقرر داشت تا مسلمانان به خوبی یکدیگر را بشناسند و از حال هم آگاه شوند، و هر گروهی سرمایه‌های تجاری را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند... و برای

اینکه آثار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اخبار او شناخته شود، مردم آنها را به خاطر آوردند و هرگز فراموش

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۸۰

نکنند».

به همین دلیل در دورانها خفقان باری که خلفا و سلاطین جور اجازه نشر این احکام را به مسلمانان نمی دادند آنها با استفاده از این فرصت، مشکلات خود را حل می کردند و با تماس گرفتن با ائمه هدی (علیهما السلام) و علمای بزرگ دین پرده از چهره قوانین اسلام و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برمی داشتند.

از سوی دیگر، حج می تواند، مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود و اندیشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه هستند گرد هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به دیگران عرضه کنند.

اصولا یکی از بدبختیهای بزرگ این است که مرزهای کشور اسلامی سبب جدائی فرهنگی آنها شود، مسلمانان هر کشور تنها به خود بیندیشند، که در این صورت جامعه واحد اسلامی پاره پاره و نابود می گردد، آری حج می تواند جلو این سرنوشت شوم را بگیرد.

و چه جالب می فرماید: امام صادق (علیه السلام) در ذیل همان روایت هشام بن حکم: و لو کان کل قوم انما یتکلمون علی بلادهم و ما فیها هلكوا، و خربت البلاد، و سقطت الجلب و الارباح و عمیت الاخبار... «اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشند همگی نابود می گردند و کشورهایشان ویران می شود، منافع آنها ساقط می گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می گیرند».

۴ - بعد اقتصادی حج - بر خلاف آنچه بعضی فکر می کنند، استفاده از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه های اقتصادی کشورهای اسلامی نه تنها با

روح

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۸۱

حج منافات ندارد بلکه طبق روایات اسلامی یکی از فلسفه آن را تشکیل می دهد.

چه مانعی دارد مسلمانان در آن اجتماع بزرگ، پایه یک بازار مشترک اسلامی را بگذارند، و زمینه‌های مبادلاتی و تجاری را در میان خود به گونه‌ای فراهم سازند که نه منافعی به جیب دشمنانشان بریزد، و نه اقتصادشان وابسته به اجانب باشد، که این دنیا پرستی نیست، عین عبادت است و جهاد.

و لذا در همان روایت «هشام بن حکم» از امام صادق (علیه السلام) ضمن بیان فلسفه‌های حج صریحا به این موضوع اشاره شده بود که یکی از اهداف حج، تقویت تجارت مسلمانان و تسهیل روابط اقتصادی است.

و در حدیث دیگری از همان امام (علیه السلام) در تفسیر آیه «لیس علیکم جناح ان تبغوا فضلا من ربکم» (بقره - ۱۹۸) می‌خوانیم که فرمود: منظور از این آیه کسب روزی است فاذا احل الرجل من احرامه و قضی فلیشتر لیبع فی الموسم: «هنگامی که انسان از احرام بیرون آید و مناسک حج را بجا آورد در همان موسم حج خرید و فروش کند (و این موضوع نه تنها گناه ندارد بلکه دارای ثواب است).

همین معنی در ذیل حدیثی که از «امام علی بن موسی الرضا» (علیهما السلام) بطور مشروح در بیان فلسفه‌های حج وارد شده است آمده و در پایان آن می‌فرماید: لیشهدوا منافع لهم.

اشاره به اینکه آیه «لیشهدوا منافع لهم» هم منافع معنوی را شامل می‌شود و هم منافع مادی را که از یک نظر همه معنوی است.

کوتاه سخن اینکه این عبادت بزرگ اگر بطور صحیح و کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد و زوار خانه خدا در آن ایام که در آن سرزمین مقدس حضور

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۸۲

فعال دارند و دل‌هایشان آماده است از این فرصت بزرگ برای حل مشکلات گوناگون جامعه اسلامی با تشکیل کنگره‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی استفاده کنند، این عبادت می‌تواند از هر نظر مشکل‌گشا باشد، و شاید به همین دلیل است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: لا یزال الدین قائما ما قامت الکعبة: «مادام که خانه کعبه بر پا است اسلام هم بر پا است».

و نیز علی (علیه السلام) فرمود: خانه خدا را فراموش نکنید که اگر فراموش کنید هلاک خواهید شد الله الله فی بیت ربکم لا تخلوه ما بقیتیم فانه ان ترک

لستم تناظروا: «خدا را خدا را، در مورد خانه پروردگارتان، هرگز آن را خالی نگذارید که اگر آن را ترک گوئید مهلت الهی از شما برداشته می شود»!.

و نیز به خاطر اهمیت این موضوع است که فصلی در روایات اسلامی تحت این عنوان گشوده شده است که اگر یکسال مسلمانان بخواهند حج را تعطیل کنند بر حکومت اسلامی واجب است که با زور آنها را به مکه بفرستد.

۴ - تکلیف گوشت‌های قربانی در عصر ما

از آیات فوق به خوبی این معنی استفاده می شود که هدف از قربانی کردن علاوه بر جنبه های معنوی و روحانی و تقرب به درگاه خداوند این است که گوشت آن به مصرف های لازم برسد هم قربانی کننده از آن استفاده کند و هم قسمتی را به فقیران نیازمند برساند.

